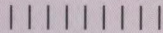


کتاب

نشریه
ویژه معرفی کتاب

دوماهنامه فرهنگی هنری
ROOD BOOK REVIEW

نوروز ۱۳۹۸	شماره اول
MAR 2019	NO. ONE
۳۵۰۰۰ تومان	۱۴۲ صفحه



بایادداشت‌هایی از:

فریبا پات، محمد رضا جعفری، بهاء الدین خرّم‌شاهی
 حسن سید عرب، سپیده شاملو، محمد شریفی
 حسین شیخ رضایی، علاء الدین طباطبایی
 امید طیب‌زاده، عاطفه طیّه، بابک عباسی
 سعید عدالت‌نژاد، میلاد عظیمی، حنیف قلندری
 فرزانه کرم‌پور، آبتین گلکار، احمد مسجد جامعی
 مریم مشرف، حسین معصومی همدانی
 ضیاء موحد و ...



۳۴

يك داستان ساده

نوشتن بی سرفروشی سیزده سال به طول انجامید. این کتاب نخستین، اما مهم ترین اثر کرتیس است. کرتیس در خطابه دریاقت جایزه نوبل با اشاره به این داستان می گوید: «من يك بار مردم تا بتوانم زندگی کنم.»



EDITORIAL



دوماهنامه فرهنگی هنری
ROOD BOOK REVIEW

• شماره اول • نوروز ۱۳۹۸
• ۱۴۴ صفحه

• صاحب امتیاز: مدیرمسئول: مهری بهفر
• ناشر: سارا برقی

تحریریه

- سردبیر: مهری بهفر
- دبیرسرویس تاریخ و دین:
- مسعود صادقی
- دبیرسرویس فلسفه و علم:
- میثم محمد امینی

فنی و هنری:

- مدیرهنری: علیرضا میرزاصطفی
- ویراستار: عاقله ترابی
- دبیرعکس: مهری رحیم زاده
- تصویرساز: سینا رضایی
- صفحه آرا: ایمان صرافانی
- ناظر چاپ: بهمن سراج
- لیتوگرافی: سحر گرافیک
- چاپ: شاد رنگ

مشاوران این شماره:

- حمیدرضا ابک • وحید حائری
- بهاء الدین خرماشاهی
- هوشنگ رهنما • آرش شریفی
- امید طبیب زاده • مریم مشرف
- فاطمه ولیانی

ROODBOOKREVIEW
ROODBOOKREVIEW@GMAIL.COM
0749-178
090-206 66 40



فلسفه ادبیات؛
کتابی فلسفه سرخود

۱۰۴



۲۸



۷۸

۷۶

بهبود فرهنگ درونی

زمین از دریچه آسمان «دگرگونی به سوی معنویت» و «بهبود فرهنگ درونی»، به معنای صدق در گفتار و کردار راپی می جوید

۵۲

شرح کامل طبقه بندی وزن های شعر فارسی

با طبقه بندی وزن های شعر فارسی نجفی می توان محل هر وزن را در کنار وزن های هم خانواده اش یافت

اول دفتر/ ۶

رودك

سنجش منابع تاریخی شاهنامه / ۱۰ ● کانون دین زرتشتی در ایران / ۱۱ ● کمندی، تراژدی و دین / ۱۱ ● پنج گفتار / ۱۲ ● بی قراری / ۱۳ ● پرورش ذوق عامه در عصر پهلوی / ۱۳ ● خدا و شر / ۱۴ ● تاریخ انحطاط مجلس / ۱۵ ● خاقان صاحب قران و علمای زمان / ۱۵ ● دایره‌های ترس / ۱۶ ● زیر گنبد مینا / ۱۷ ● سه سفرنامه / ۱۷ ● زمستان سخت / ۱۸ ● سیندخت / ۱۹ ● سینمارکس / ۱۹ ● سفر به شیراز و دیگر شهرهای جنوبی / ۲۰ ● غزه در بحران / ۲۱ ● فهم فرهنگ مادی / ۲۱ ● از انجمن حجّتیّه تا سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی / ۲۲ ● اعتراضات نات ترنر / ۲۳ ● برکرانه کنعان / ۲۳ ● گزارش سفر کاوش‌های باستان‌شناسی در فارس باستان / ۲۴ ● مذاکرات ایران و آمریکا / ۲۵ ● نخستین کوشش‌های قانون‌گذاری در ایران / ۲۵

رود آورد

یک داستان ساده / ۳۴ ● قربانیان اصلی تاریخ / ۳۸ ● آلیس دوباره پشت شیشه کتابفروشی‌های سرزمین عجایب / ۴۰ ● شکار ابیات خوشایند / ۴۲ ● درس اقتصاد با ادیپ، دکتر فاستوس، فرانکشتاین، ماتریکس و دیگران / ۴۵ ● حفظ حقوق نسوان همراه با تزریق احساسات ملی و وطنی / ۴۶ ● جانور و درخت، آب و آدم زیر پوست هم / ۴۸ ● مسئولیت جنگ‌ها و صلح‌های آینده / ۵۰ ● شرح کامل طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی / ۵۲ ● تهدید بودار / ۵۴ ● ماهیت متغیر و چندوجهی مشروعیت صفویه / ۵۶ ● عشق بیشتر و رنج بیشتر / ۵۸ ● ما و جهان اساطیری / ۶۰ ● هنری بهتر از این؟! / ۶۲ ● هزارویک روز و شب بی‌مرز / ۶۴ ● فراسوی سرخوشی / ۶۶ ● بررسی سویه‌های ساخت و صورت شعر حافظ / ۶۸ ● شخصی‌شدگی امور و نبود حکمرانی سیستمی / ۷۲ ● بهبود فرهنگ درونی / ۷۶ ● شاهی که شکار کردی همه عمر / ۷۸ ● نبرد دو اهریمن / ۸۱ ● قهرمان‌ها و غول‌های دوران کودکی / ۸۲ ● آرامش نسبی بر سراسر خاورمیانه / ۸۴ ● ناپی‌بندی به دستورات یا اصول اخلاقی / ۸۶ ● سیر پنجاه ساله از حافظ خوانی و حافظ‌اندیشی تا حافظ‌پژوهی / ۸۸ ● شرح جدید مصباح‌الأنس / ۹۱ ● علم در حکومت‌های تمامیت‌خواه / ۹۲ ● حق با او نیست که تفنگ دستش / ۹۴ ● نوآوری‌های فلسفه اسلامی / ۹۵ ● آن‌ها که می‌روند و آن‌ها که برمی‌گردند / ۹۶ ● تهران‌نگاری / ۹۸

رود سنگ

فلسفه ادبیات؛ کتابی فلسفه سرخود / ۱۰۴ ● درمانی برای قلم‌گریزی / ۱۰۶ ● دسترسی باز و بسته / ۱۰۹ ● جامعه کو تاه مدت / ۱۱۰ ● بازیابی هویت اخلاقی / ۱۱۲ ● عیسی؛ اسطوره یا تاریخ؟! / ۱۱۴ ● استفاده سوء استفاده از تاریخ / ۱۱۶ ● گوریل پشمالو / ۱۱۶ ● آیین‌ها و نمادهای تشرّف / ۱۱۸ ● دانشگاه‌ها در قرون وسطی / ۱۲۰ ● خردگشی / ۱۲۳

رودارود

رخش‌نشر / ۱۳۸

رودخوان

از آگاهی جویی تا لذت طلبی / ۱۴۱

هرگونه استفاده از مطالب نشریه بدون ذکر نام مجله ممنوع است.

**دورود**

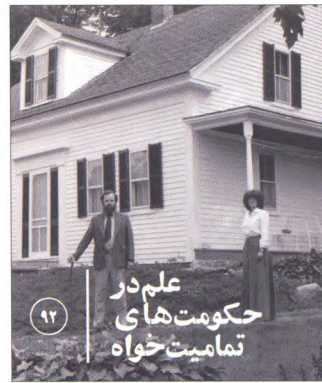
تیغ طنز در کالبد شکافی بلاهت عمده / ۱۲۶

رودبار

تماشاگر پاره‌های کوچک / ۱۳۰

رودخانه

این نان فطیر از آن خمیر است / ۱۳۴



علم در
حکومت‌های
تمامیت‌خواه

۱۲



هنری
بهتر از این؟! / ۶۲

۶۲



رودبار / ۱۳۰
سهیلایسکی / داستان نویسی

۱۳۰

۱۱۲

عیسی؛

اسطوره یا تاریخ؟

این کتاب به یکی از مهم‌ترین پرسش‌های تاریخ مسیحیت و حتی ادیان جهان می‌پردازد و مکاتب و نظریه‌های هر دو سوی طیف را برمی‌شمارد



EDITORIAL

سخن سردبیر

اول دفتر

دراهِ وروشِ رود



منتشر شده در سال جاری را معرفی می‌کند و رودسنگ کتاب‌های سال‌های پیش را، که البته موجود هستند و مهم و درخور خواننده شدن. دورود به معرفی کتاب‌های پر فروش و کم فروش می‌پردازد (البته کم فروش به گونه‌ی صفت فاعلی رایج است و در اینجا به قیاس پر فروش در معنی صفت مفعولی به کار رفته است). رودبار کارنامه‌ی قلمی متن‌آفرین است که هر شماره به کتاب‌های یک نویسنده / مترجم / شاعر اختصاص خواهد داشت. رودخانه معرفی کتابی است که هر ایرانی باید بخواند. در رودارود یک در میان به روایت ناشران کتاب و به بازخوانی معرفی کتاب‌های منتشر شده در نشریات قدیم می‌پردازیم. رودخوان، آخرین شاخه‌ی رود، به مسئله‌ی خواندن می‌پردازد، به آداب و آیین کتاب خواندن و عوامل و احوال آن، به اینکه چگونه بخوانیم.

در تاریخ نشریات ایران، اخبار چاپ کتاب و معرفی آن اغلب جای خاص خودش را داشته است، اما همواره محدود به صفحات یا جزواتی بوده است. فقط در برخی از شماره‌های نخست نشریه‌ی راهنمای کتاب که شصت سال پیش، در بهار ۱۳۳۷، منتشر شد و بیست سال هم دوام آورد، گاه بخش معرفی کتاب‌ها نسبت به مقالات و جستارها پیشی می‌گرفت. غیر از این نمونه، معرفی کتاب همیشه در گوشه و کنار نشریات جای داشته است. اما آنچه در حاشیه‌ی نشریات دیگر می‌نشیند، در رود متن است. سراسر رود به معرفی کتاب اختصاص دارد. رود نشریه‌ای است برای کتاب و کتابخوان و کتابخوانی؛ نشریه‌ای اندر عوالم و احوال با کتاب به سر بردن و آیین و سلوک کتاب خواندن. کتاب‌ها در رود معرفی می‌شوند که خواننده شوند، نه برای آنکه خواننده نشوند و هشدار برای بر حذر داشت خواننده باشند. بنابراین، کتاب معرفی شده از نظر معرفی کتاب‌نویس به اندازه‌ی مقبول بوده است که امتیاز معرفی شدن بیاید، اگرچه کم و کاستی آن هم مورد اشاره قرار گرفته باشد. مخلص کلام این‌که، در رود نقد منفی نخواهیم داشت و برگرد کتاب‌های درخور نقد منفی و جذاب برای این قشر بررسی کتاب نخواهیم گشت، مگر آنکه بر طبل اهمیت کتابی زیر متوسط چنان بکوبند که چاره‌ای جز اظهار نظر خواهی از کارشناسان آن زمینه و بازتاب دیدگاه آنان باقی نباشد.

رود در پی معرفی آثار درخور خواندن است. و درخور خواندن بودن را هم نویسنده‌گانی تعیین می‌کنند که مرجع ما هستند و محل رجوع مان. بنابراین، در دو شاخه‌ی اصلی بدنه‌ی رود، با عنوان رود آورد و رودسنگ، هر نویسنده‌ای، نه به مدد روش‌های استاندارد شده‌ی ماشینی، بلکه بنا به ساقه‌ی دریافت خود از اهمیت کتاب و ضرورت خواننده شدن آن، آن‌طور که دانسته‌ها و تجربه‌هایش در امر کتاب حکم می‌کند و قوف و اشرفش بر موضوع و زمینه بحث اقتضاء، به معرفی کتاب برگزیده‌اش می‌پردازد.

«جملگی عالم برای این وجود دارد که به کتابی بینجامد»

_____ مالارمه

نشریه‌ای سراسر ویژه‌ی معرفی کتاب و نه هیچ چیز دیگر؛ نه مصاحبه و میزگرد، نه مقاله و یادداشت و گفتار و جستار، نه داستان کوتاه و شعر، نه نامه‌های کوتاه و بلند به سردبیر و نه حتی نقد و بررسی، یا تحلیل و واکاوی و کالبدشکافی متن؛ هیچ کدام، نشریه‌ای مختص معرفی کتاب می‌خواستیم. بیست سال پیش در پی‌اش بودم. نشد. برآمد برین روزگاری دراز. ذهن من در این سال‌ها مثل گل قهر و آشتی از نقش این خواستن پر و خالی می‌شد و چنین بود تا شمع گردان سپهر، دگرگونه‌تر شد به آیین و چهره و رود سرگرفت، جاری شد و پیش رفت تا بدین جا رسید.

اگرچه در یک رود دوبار نمی‌توان پا گذاشت و رود سال‌ها پیش و رود اکنون یکی نمی‌توانند بود، اما از نظر موضوع و مضمون، و از منظر خواست و انگیزه‌ی درونی، آن رودی که نشد و این که شد، یکی‌اند.

رود نشریه‌ای است مختص معرفی کتاب (Book Review)؛ شامل معرفی جدیدترین کتاب‌های منتشر شده، نه چندان جدیدها و کتاب‌های همیشه خواندنی و ماندنی که روزی بالاخره باید خواندشان. معرفی کتاب در بخش‌های متفاوت، به شکل‌های مختلف و با تمهیدهای گوناگون شاخه‌های نه‌گانه‌ی رود را می‌سازد. رودساز کلام آغاز است. رودک به معرفی کتاب‌های ۸۰ کلمه‌ای، ۱۵۰ و ۲۲۰ کلمه‌ای اختصاص یافته است. رود آورد کتاب‌های

مهتری بهفر

سردبیر

در میان نویسندگانی که در این شماره رود معرف کتاب نوشته‌اند، هستند کسانی که نوشته‌شان همواره معیار و الگویی برای نوشتن معرف کتاب بوده است. به جز این افراد، با دیگر نویسندگان نکته‌هایی را به عنوان شیوه کار در میان گذاشتیم که در نوشته نویسندگان معیار به معنای موجود بود. خواسته شد اگر چه همه در دانشگاه‌ها و فرهنگستان‌ها و پژوهشکده‌ها به تدریس و تحقیق مشغول‌اند، اما برای مخاطب کتابخوان بنویسند، مخاطبی واقعی (نه مخاطب خیالی مقالات علمی - پژوهشی) که می‌خواهد بخواند و بداند و بتواند انتخاب کند. مفهوم، ارتباط پذیر و ساده بنویسند. خواسته شد معرف کتاب علاوه بر آنکه در بردارنده نظر و منظر نویسنده آن باشد، از تجربه خواندن او و حس و برداشتش هم متأثر شده باشد و راه معرف کتاب از این تأثیر بگذرد؛ یک تیر و دو نشان: هم کتاب شناسانده شده باشد و هم برداشت، حس و تجربه معرف کننده کتاب آزموده و فرهیخته آن. خواسته شد تحسین نویسنده/ مترجم کتاب‌های معرف شده، هر قدر هم شایسته ستایش، فرو نرود.

بنا بر آنچه رفت، رود نشریه‌ای است برای معرف کتاب به همه کسانی که در یافته‌اند همیشه میان آنچه می‌خوانیم و آنچه باید بخوانیم فاصله است. و این فاصله را معرف کتاب می‌تواند پر کند. معرف کتاب کمک می‌کند پیش از خواندن کتاب‌ها را ارزیابی کنیم. و مهم‌تر اینکه موجب می‌شود در زمینه‌ای که تا به حال مطالعه نکرده‌ایم و خیال آن را هم نداریم، زمینه‌ای که تا به حال فکر می‌کردیم به ما مربوط نیست، ربط و پیوندی عمیق با نیازهای ادراکی و انسانی ما بیابیم. یعنی دریابیم که این زمینه جدید مطالعه چقدر ما را در دستیابی به فهمی مستقل و در یافتی از آن خود یاری می‌رساند، و چقدر ما را برای ایجاد خلوتی غنی و سازنده خلأیت می‌بخشد. حتی باعث می‌شود دریابیم که به زمینه‌های جدید مطالعه هم، بر خلاف تصور اولیه‌مان، علاقه‌مند یا کنجکاویم؛ و ببینیم که زمینه‌های تازه گشوده شده کتاب، حتی پیش از کتاب‌هایی که همیشه عادت به خواندنش داشتیم، واسطه‌ای برای والایش «خود»، رشد فردی مان، کشف معنی و کسب معرفت‌اند.

اینکه جای ما در مقیاس جهانی مطالعه در آخرین رده‌هاست، حرف تازه‌ای نیست. اما شاید توجه به این نکته که مادر خواندن بسیار محافظه کاریم، تازه باشد. از این جهت که محدوده کتابخوانی مان از حیطه واقعی علائق مان و چیزهایی که می‌خواهیم بدانیم، بسیار محدودتر است. کسی که مان می‌خواند، غالباً به کتاب تاریخی، فلسفی، هنری، سفرنامه و زندگی‌نامه بی‌توجه است و کتابخوان‌های زمینه‌های دیگر هم انکار طی آیینی، به خواندن فقط در یک زمینه سر سپرده‌اند که هیچ دوئیت پذیر نیست. بنا بر این اگر علاقه به کتاب خواندن کم است، علاقه به خواندن

کتاب در زمینه‌های مختلف از آن هم کمتر است. شاید علت بخشی از مسئله این باشد که تلقی عجیبی از تخصصی بودن کتاب‌های با اهمیت و معتبر وجود دارد. کتاب‌هایی که اگر چه متخصصان آن را نوشته‌اند، در واقع به معنای اصح کلمه تخصصی نیستند، بلکه صرفاً در آن زمینه خاص کتاب‌هایی روشمند و با اهمیت به شمار می‌روند و از قضا در چند کلاس دانشگاه هم به عنوان کتاب درسی معرف شده‌اند.

بنا بر این تلقی عجیب و بازدارنده از تخصصی بودن کتاب‌ها، هر کتابی که در زمینه‌ای خاص واجد اهمیت است و جدی و مهم و روشمند، ناگزیر کتابی است که باید آن را به اجبار رشته تحصیلی خواند، و گر نه مایه تعجب و غیر عادی خواهد بود. همین تلقی مسلط در این طرز فکر نقش دارد که افراد خیال کنند «زمینه‌هایی از دانش بشری هست که اگر چه جالب است اما چون رشته تحصیلی من نیست به من مربوط نمی‌شود». این تصمیم سرسختانه فقط در میان بومیان دیجیتال رواج ندارد، بلکه مبتلا به بسیاری دیگر نیز هست. امروزه بسیاری از نوجوانان تازه‌دانشجو فکر می‌کنند، انتخاب رشته این‌حس را دارد که آنان را از مطالعه در دو چیز خلاص می‌کند؛ یکی رشته خودشان و یکی هم رشته‌های دیگر که به آن‌ها مربوط نیست. شاید به این نظر «نوباوگان بومی دیجیتال» یا به صراحت بیان‌شان بخندیم، اما برآستی این مسئله محدود به آن‌ها نیست.

اینجا در رود، به خلاف آن تلقی ترساننده و بازدارنده از تخصصی بودن کتاب‌ها، نه تنها ماجراجویی افراد در مطالعه و آزمون زمینه‌های مختلف خواندن به رسمیت شناخته می‌شود که افراد به خواندن در زمینه‌هایی هم ترغیب می‌شوند که بیشتر با به دایره‌اش نگذاشته بودند، خواندن آثاری ارزشمند و واجد اهمیت، که تحت تأثیر آن برداشت مسلط و اهمه‌انگیزی می‌نمود. و اتفاقاً کشف و لذت و صفت نا پذیر حس کردن و فهمیدن مسائل هم همانجا منتظر ماست.

در رود کسانی نوشته‌اند و به معرف کتاب دست برده‌اند که چند دهه است می‌نویسند و خوانندگانی گرد آمده بر دایره قلم دارند. البته کم‌ترین فضیلت‌شان این است که استاد دانشگاه بوده‌اند، PhD دارند و معنون به عنوان دکترین مولانا و حکیم قدیم و نه عناوین استاد و دکترین متداول امروز، هیچ‌یک در رود تداول ندارند. رود جایی است که افراد را تنها به نام‌شان می‌خوانیم، نام منهای القاب و عناوین. و این را پیش از دیگران، از صفحه شناسنامه این نشریه و افراد تحریریه، شروع کرده‌ایم. در اینجا آنکه نام آوار است و آنکه کمنام، تن به آب یک رود زده‌اند. رود جایی است برای تن به آب کتاب زدن.

به دل خرمی دار و بگذر ز رود

تراباد از پاك يزبان درود



پیوست:

- انتشار شماره ۱ رود با نوروز همزمان شد، پس آن را ویژه‌نامه نوروز گرفتیم و به این مناسبت پربزرگ و نواترش کردیم. کاغذ این شماره را گلاسه خریدیم، چون این کاغذ تقاضای اصلی بازار کتاب و مطبوعات نیست و برای همین در دسترس تر بود. اگر بازار کاغذ یا بسند دوستداران رود اقتضای دیگری داشت، بر آنچه دارند و خواهند رویم.
- کارنامه علمی و آثار و علائق تحقیقی نویسندگان رود در سایت این نشریه در اختیار خوانندگان قرار خواهد گرفت.
- قلم رود را «کتاب» انتخاب کردیم؛ چون زیبا بود؛ زیبایی‌ای که به دردسرمان انداخت. من که بار اولم نبود محض زیبایی به دردرس می‌افتادم. این بلا، در سال ۱۳۸۰ با انتخاب قلم بدر ترکیبی در چاپ نسخه صفر کتاب شرح یکایک ابیات شاهنامه (نشر هیرمند) گریبانگیرم شده بود. شکل قدیمی طور قلم «کتاب» و ظرافت و پیچش و انحنای حروف آن به گونه‌ای طراحی شده است که تمام جاهایی را که بنا به قاعده بی فاصله و نیم فاصله کار کرده‌ایم، فاصله‌دار نشان می‌دهد و آنچه را فاصله داده‌ایم، بی فاصله به چشم می‌آورد. از اعراب‌ها که دیگر نگوییم، کسرها زیاد به خط پایین نزدیک شده. با این همه زیباست و حس خاطره‌انگیز از کتاب‌های چاپ قدیم می‌دهد.